

طرحی برای تولید محتوای فرهنگی - تاریخی

مهاجرت بربرهای مراکشی به ایالت استرآباد!

فرضیه‌ای در مورد حضور بربرهای «جُزولی» در منطقه استرآباد و گرگان



روستای بربرنشین آمیزمیز در رشته‌کوه اطلس مراکش،
در اقلیمی شبیه به روستاهای شاهکوه، درآسیاب و چهارباغ در استان گلستان ایران

■ مقدمه

گاهی اوقات ایجاد یک شبهه در یک موضوع تاریخی و یا ایجاد یک پرسش بی‌پاسخ در مورد تاریخ یک منطقه، دلیل و انگیزه‌ای خواهد بود برای جست‌وجوهای عمیق تاریخی. هرچند ممکن است هیچ‌گاه این شبهات برطرف نشده، پرسش‌ها به پاسخ قطعی نرسند و یا پژوهش‌های انجام شده به نتایج دقیق منتج نشود، لکن اساساً ایجاد پرسش، خود منجر به تولید پرسش‌های دیگر شده، پرسش تاریخی، دلیل و انگیزه‌ی پژوهش تاریخی خواهد بود و بنابراین بخشی از تاریخ یعنی طرح سؤال، یعنی همین پرسش‌های بی‌پاسخ!

در ملل مترقی دنیا براساس همین پرسش‌های تاریخی و انواع پاسخ‌های احتمالی آن‌ها، ده‌ها و صدها محتوا، اعم از رمان، نمایش، انیمیشن، فیلم، سریال و... تولید می‌شود، که همگی آن‌ها بستری برای معرفی هویت یک سرزمین یا یک ملت خواهند بود. باتوجه به آن‌که در دنیای دیجیتال کنونی، مؤثرترین قالب‌های ارائه محتوا، در انواع رسانه‌های صوتی و تصویری خلاصه می‌شوند، بنابراین بدون شک برای انتقال و معرفی بسیاری از داشته‌های فرهنگی-تاریخی ناگزیر خواهیم بود به سراغ این نوع رسانه‌ها برویم. لکن باتوجه به پیشرفت عظیم و عجیب تکنولوژی ساخت تولیدات صوتی و تصویری، قاعدتاً آن‌چه که تولید و ارائه می‌شود، باید قدرت رقابت با سایر نمونه‌ها را داشته باشد. مسلماً کیفیت بخشی به این نوع تولیدات، از یک منظر در گرو توان و تخصص استفاده از تکنولوژی رایج دنیا در این زمینه است. اما هم‌سنگ و برابر با کیفیت قالب محتوا، خود محتواست که در میان انبوه هزاران موضوع جذاب، که در مخاطب ایجاد شگفتی کرده و ذهن مخاطب را درگیر می‌سازد، باید قادر باشد انتخاب مخاطب را برانگیزد و علاوه بر این‌که باید به عنوان یک کالای تجاری برای اوقات فراغت مخاطب، خریدار خود را داشته باشد، بتواند اندکی ذهن مخاطب را به تخیل واداشته، افقی از های نظام‌مند و پیش‌برنده، در ذهن او ایجاد کند.

■ بربرهای مسلمان جزولی

در رشته کوه‌های اطلس مراکش، قبایلی از بربرها سکونت دارند که از قرون اولیه اسلامی، اغلب آنان مسلمان شده و به زبان عربی تکلم می‌کرده‌اند. یکی از این قبایل بربر مسلمان شده، قبیله‌ای به نام جزوله [jozvale] یا جزوله [jazvale] هستند، که به اعتقاد برخی پژوهشگران، نام آنان برگرفته از واژه «ایگزولن» بربری به معنی دامدار و یا «ایکسولن» بربری به معنی ساکن کوه‌های الکست (اطلس کوچک) است! دایره‌المعارف بزرگ اسلامی در مورد این قبیله و محل سکونت آنان نوشته: «امروزه بخشی از جزوله‌ها در رشته کوه‌های اطلس کوچک و بیابان‌های مجاور آن در جنوب، و بخش کوچکی از آنان نیز در شمال، در قلعه و تپه‌های جنوب غربی کوه‌های وکسان ساکن هستند. محل زندگی آن‌ها در گذشته از دشت سوس تا دریاچه‌ی رود درعه گسترده

بود. در برخی از منابع تاریخی از کوه‌های مناطق جنوبی اطلس کوچک، با نام جزوله یاد شده است؛ از آن رو که جزوله‌ها در آن جا اقامت داشته‌اند». علاوه بر این، برخی منابع نیز «جَزُولَه» را نام شهری مراکشی دانسته‌اند، که در کنای دریا واقع شده و اکثر ساکنان آن نیز همین قوم جَزُولَه هستند.

قبیله‌ی بربرِ مسلمانِ جَزُولَه، در تشکیل دولت «مرابطون» در مراکش نقش بسزایی داشته است. مردم جَزُولَه حدود یک سده تحت استیلای قبیله‌ی بنویدارِ «سوس» بودند و چون بنویدار با بادیه‌نشینان وابسته به گروه معقل متحد شدند، قبیله‌ی جَزُولَه نیز با یکی از قبایل آن گروه به نام ذوحشان هم‌پیمان شد. در دوران انحطاط خاندان سعدیان، سادات جعفری از قبیله‌ی شملاله حدود نیم سده (تا ۱۰۸۰ق/ ۱۶۷۰م) بر سرزمین جزوله چیرگی داشتند. در روزگار معاصر نیز مردم جَزُولَه‌ی شمال، در جنبش بوحماره در ۱۹۰۵ و ۱۹۰۹م (۱۲۸۴ و ۱۲۸۸خ) نقشی مؤثر ایفا کرده‌اند.

«سوس» نام یک دشت یا منطقه‌ای وسیع در مرکز مراکش است، که با نام‌های «سوس ماسه» و «سوس ماسه درعه» نیز شناخته می‌شود. این منطقه محل سکونت برخی قبایل بربرِ مراکش، از جمله قبیله «جَزُولَه» بوده است. قبیله جَزُولَه (جَزُولی‌ها) عموماً در مراتع کوهستانی رشته‌کوه‌های اطلس کوچک مراکش ساکن بودند؛ این رشته‌کوه، دریای مدیترانه و اقیانوس اطلس را از صحرای آفریقا جدا می‌کند. به عبارت دیگر، سکونتگاه قبیله جَزُولَه در کوه‌های واسط بین دریای مدیترانه و صحرای آفریقا بوده است.

در طول تاریخ، رجال بزرگی از این قبیله برخاسته و همگی با پسوند «جَزُولی» (منسوب به قبیله و منطقه جَزُولَه) شناخته شده‌اند، که برخی از آنان عبارتند از: الف- عبدالله ابن یاسین جَزُولی، نحوی و لغت‌شناس سده ۷ هجری و بنیانگذار دولت مرابطون. ب- ابوموسی عیسی ابن عبدالعزیز جَزُولی ج- عبدالرحمان ابن عفان فاسی جزولی د- ابومحمد عبدالعزیز ابن احمد جَزُولی ه- ابوعبداله محمد ابن عبدالرحمن ابن سلیمان ابی‌بکر جَزُولی، وی حدود ۸۰۶ هجری در سوس مراکش متولد شد. او در ابتدا به طریقت شاذلیه پیوست و پس از چهارده سال، طریقت «جزولیه» را به‌عنوان شاخه‌ای از شاذلیه پایه‌گذاری کرده و پیروان زیادی یافت. بعدها شاخه‌های دیگری از شاذلیه موسوم به عروسیه، حنظلیه و عیساویه نیز خود را به جزولی منتسب ساختند. جزولی حدوداً در ۶۰ سالگی به شهری بندری موسوم به «سفی» در مغرب رفت و در آن جا پیروان زیادی پیدا کرد. اما حاکم شهر از جانب او احساس نگرانی کرده و او را از شهر بیرون کرد و در نهایت به گمان این‌که جزولی خود را مهدی موعود خوانده است، در حدود سال ۸۷۰ هجری او را مسموم کرد و به قتل رساند. یکی از شاگردان او به نام عمرو ابن سلیمان شَیْظَمی، پس از مرگ او ادعای پیغمبری کرد و در صد خونخواهی استاد خود (جَزُولی) برآمد. شَیْظَمی پس از بیست سال جسد جَزُولی را که در حوالی سفی مغرب دفن بود، داخل تابوتی نهاد و در منطقه حاحه و در محلی موسوم به افوغال دفن نمود. اما ۷۷ سال بعد سلطان ابوالعباس احمد الاعرج جسد جَزُولی و پدر خود سلطان ابوعبداله را که کنار جَزُولی دفن بود، به مراکش منتقل ساخته و در محلی موسوم به ریاض العروس به خاک سپرد.



صخره‌های آهکی واقع در کوه‌های اطلس مراکش، شبیه به صخره‌های واقع در دوراهی شاه‌کوبالا و شاه‌کوه پایین در استان گلستان ایران

■ جوزولی و سوس در ولایت استرآباد (گرگان)

حال، با در نظر گرفتن توضیحات بالا، بد نیست بدانیم در مسیر جنگلی و کوهستانی جاده توسکستان، در شرق شهر گرگان (مسیری که به سمت روستاهای چهارباغ، شاه‌کوه بالا، شاه‌کوه پایین، تاش، مُجن و شهر شاهرود می‌رود) و در محدوده جنگل گرمابدشت، منطقه‌ای به نام «جوزولی [jowzvali]» وجود دارد. منطقه‌ی جوزولی (دهنه جوزولی) در غرب جاده توسکستان و در مسیر مالرو جنگل گرمابدشت به شمسک و روستای زیارت واقع شده است. اما ظاهراً این نام در گذشته از شهرت بیشتری برخوردار بوده است، چنان‌که در دوران تیموری، جاده توسکستان را «راه جوزولی» و در دوره قاجار رودخانه‌ی جاری در دژه کُتل قزلق را رودخانه یا رودبار جوزولی می‌خوانده‌اند. جالب‌تر آن‌جاست که در ارتفاعات همین مسیر، پس از پشت سر گذاشتن گردنه‌های کوهستانی و رسیدن به دشت وسیع منطقه شاه‌کوه، در بالای رباط «دیمه‌لو»، در شرق منطقه سرعلی‌آباد، منطقه‌ای باستانی موسوم به «سوس» وجود دارد، که بنابر اقوال شفاهی ساکنان بومی منطقه، محلّ شهری باستانی بوده، که امروزه به شکل دشتی با بقایایی از بناهای سنگ‌چین درآمده است. از ویژگی‌های این منطقه این است که اولاً هم‌چون رشته‌کوه‌های اطلس که بین دریای مدیترانه و صحرای افریقا واقع شده، منطقه‌ی سوس شاه‌کوه نیز در میانه‌ی دریای کاسپین و کویر کومش (دامغان) قرار گرفته و از نظر اقلیمی و پوشش گیاهی، شباهت‌هایی به سکونتگاه قبیله جُزوله در مراکش دارد. چنان‌که بارزترین شباهت اقلیمی - علاوه بر آب و هوای نیمه‌خشک کوهستانی - وجود درخت‌ها و درختچه‌های سرو کوهی در هر دو منطقه است.

■ مهاجرت بربرهای جُزولی به ولایت استرآباد!

هرچند در منابع تاریخی هیچ اشاره‌ای به مهاجرت بربرهای جُزولی به منطقه‌ی جرجان و استرآباد نشده، لکن وجود نام‌های جوزولی و سوس در منطقه‌ی گرگان کنونی و حتی گورستان و آثار آبادی کوچکی در ارتفاعات جنگلی گرمابدشت موسوم به خاک‌عمر، شاید همگی نشانه‌هایی از حضور قبیله بربر مسلمان جُزولی در این منطقه بوده و اتفاقاً خاک عمر نیز مزار شخصی موسوم به «عمر جُزولی» رئیس این قبیله‌ی مهاجر در استرآباد بوده باشد! شاید هم گروهی از پیروان طریقه «جُزولیه» به ولایت استرآباد مهاجرت کرده و در این منطقه ساکن شده باشند. البته این‌که به حضور این قبیله یا طریقه در ولایت استرآباد اشاره‌ای نشده و در تاریخ و فرهنگ شفاهی منطقه نیز نشانه‌ای از آنان نیست، می‌تواند دلایل مختلفی داشته باشد، که برخی از این دلایل عبارتند از: استحاله‌ی این قوم در بین سایر ساکنان منطقه، تغییر شهرت این قوم، مهاجرت دوباره‌ی آنان از این سرزمین، از بین رفتن و انقراض آنان به دلایلی چون بیماری‌های همه‌گیر و یا در پی جنگ و قتل عام و...

از سوی دیگر، می‌توان گفت این‌که نام‌های «جوزولی» و «سوس» هم‌چنان در حافظه شفاهی مردم منطقه باقی مانده، خود یکی از شواهد حضور جُزولی‌ها در این منطقه بوده است. از دیگرسو، این طبیعی است که در پی فراموش شدن خاطرهِ قبیله جُزولی، نام سکونتگاه آنان باقی مانده، ولی وجه تسمیه‌ی آن فراموش گردیده و با شبیه‌ترین واژه‌های گویش بومی منطقه تطبیق داده شده باشد؛ چنان‌که «جوز» یا «جُز» در گویش بومیان ولایت استرآباد، به معنی «گردو» است. بنابراین، این نام را ترکیبی از «جوز» و «ولی» دانسته‌اند، که در وجه تسمیه‌ی آن نیز دو روایت شفاهی وجود دارد: نخست آن‌که این نام برگرفته از یک درخت جوز (گردو) منسوب به شخصی به نام «ولی» بوده و دیگر آن‌که «ولی» را شکلی از واژه‌ی بومی «وَل» به معنی «کج» دانسته و نام این منطقه را منتسب به یک «درخت گردوی کج» می‌دانند. در صورتی که اگر این روایات را بپذیریم، طبق قواعد دستوری گویش بومیان این منطقه، این نام باید «وَلی جوز» یا «وَل جوز» می‌بود!

طبق توصیف منابع تاریخی، اهالی قبیله جُزوله مراکش روستانشینانی فقیر و ستیزه‌جو بوده‌اند، که جز چارپایان ثروت دیگری نداشته‌اند. هم‌چنین به گزارش برخی منابع تاریخی، در منطقه‌ی جُزوله‌ی مراکش، معادن مس و آهن به وفور یافت می‌شده و به همین واسطه مردم جُزوله وسایلی از مس و آهن می‌ساختند و در دیگر جاها می‌فروختند. بنابراین بعید نیست که اهالی قبیله‌ی جُزوله پس از مهاجرت به منطقه استرآباد، در نقاطی شبیه به اقلیم سکونتگاه اصلی خود استقرار یافته، ضمن این‌که مردمی جنگجو بودند، به دامداری پرداخته و برخی نیز در صنعتگری، به‌ویژه آهنگری، اشتغال داشته‌اند. چنان‌که در تاریخ استرآباد نیز کوچاندن قبایل جنگجو به منطقه - برای مرزبانان - بی‌سابقه نبوده و در دوره‌هایی نیز شاخه‌های متعددی از طریقه‌های تصوف در ولایت استرآباد ساکن بوده‌اند. هم‌چنین دامداری جزو مشاغل اصلی ساکنان این منطقه محسوب می‌شده و علاوه بر این، استقرار آهنگران دوره‌گرد در مناطق کوهستانی و در حاشیه‌ی

روستاها نیز تا کمتر از یکصد سال پیش رواج داشته است. چه بسا گروهی از آهنگران دوره‌گرد موسوم به «جوکی»، که تا هشتاد سال پیش در حاشیه‌ی روستاها مستقر می‌شدند، از بقایای همین قبیله‌ی جُزولی بوده باشند! این آهنگران دوره‌گرد، زمستان‌ها در حاشیه‌ی روستاهای پایین دست و تابستان‌ها در حاشیه‌ی روستاهای کوهستانی اطراق کرده، به آهنگری مشغول می‌شدند و کلیه‌ی نیازهای اهالی روستاها، به ادوات و قطعات و ابزارآلات آهنی را برطرف می‌ساختند. علاوه بر این، هم از نظر توصیفات رفتارشناسی و هم از نظر ریخت‌شناسی، بربرهای جُزولی مراکش، تا حدودی به قبیله‌های جوکی شباهت دارند و به همین واسطه ممکن است، به دلیل شباهت‌های رفتاری، ظاهری، شغلی و حتی تا حدودی شباهت در نام‌های «جُزولی» و «جوکی»، اهالی استرآباد همگی آنان را جوکی خوانده باشند.

علاوه بر موارد یادشده، در ارتفاعات شمال شرقی روستای چهارباغ، منطقه‌ای به نام «کوَبَرَبَر» [ko-barbar] (کوه برَبَر) وجود دارد، که بنا بر روایات شفاهی برخی چوپانان شاه‌کوه بالا، در منطقه‌ی «کوَبَرَبَر» غارهای دستکن و دخمه‌هایی وجود داشته، که در گذشته اقوام بربر در آن‌ها سکونت داشته‌اند.

بنابر موارد یادشده، می‌توان این احتمال را در نظر گرفت که گروهی از جُزولی‌ها به دلایلی نامعلوم و در تاریخی نامشخص، به ولایت استرآباد کوچیده، یا کوچانده شده‌اند. آنان در مسیر مهاجرت خود به شمال ایران و ولایت استرآباد، به دلیل شباهت اقلیمی این منطقه به سکونتگاه اولیه‌ی خود، در همین جا ساکن شده‌اند. شاید آنان در فصل بیلاق در ارتفاعات سرعی‌آباد و شهر تاریخی سوس ساکن بوده و در فصل قشلاق نیز در جنگل گرمابدشت و منطقه جوزولی اطراق می‌کرده‌اند. یکی دیگر از شباهت‌های منطقه‌ی شاه‌کوه با مناطق کوهستانی اطلس مراکش که محل استقرار روستاهای بربرنشین است، وجود کوه‌هایی به رنگ سُرخ است، که دارای مقادیری آهن می‌باشند و اصلاً بعید نیست که مهاجران جُزولی با دیدن این کوه‌ها در فکر استخراج آهن نیز بوده باشند و حتی تلاش‌هایی نیز برای این کار کرده باشند! شاید معدن آهن تاریخی واقع در ارتفاعات بین شاه‌کوه و جهان‌نما - در محدوده جنگل تُرگت - محل فعالیت همین بربرها بوده باشد!

این سعید مغربی، مؤرخ مراکشی سده ۷ هجری، به وجود بازاری در جُزوله اشاره کرده، که از سالروز ولادت پیامبر (ص) تا دو ماه پس از آن، برپا می‌شده و در آن به دادوستد انواع کالاها مانند پارچه، پوشاک، ابزار و ادوات و چهارپایان می‌پرداختند. حال اگر بپذیریم مناطق سوس و جوزولی استرآباد محل سکونت قوم جُزولی بوده، بعید نیست که آنان این بازار را در محل بیلاق و قشلاق خود نیز برپا می‌کرده‌اند.

از سوی دیگر، اگر بپذیریم جُزولی‌های ساکن استرآباد، گروهی از همان قبایل دوره‌گرد آهنگر بوده‌اند، بنابراین بعید نیست که تنگه‌ی «لولیان» در غرب شاه‌کو پایین (در مسیر شاه‌کوه به چمن ساور) نیز محل اطراق تابستانی این قوم بوده است. چراکه واژه‌ی «لولی» تلفظی از همان واژه‌ی «کولی» است. هم‌چنین تنگه‌ی لولیان نیز شباهت زیادی به دره‌ی «تودرا» واقع در کوه‌های اطلس مراکش (محل سکونت بربرها) دارد.

هرچند نمی‌توان به تاریخ یا دوره‌ی دقیق مهاجرت قبیله جُزولی به ولایت استرآباد، اشاره کرد، اما باتوجه به

این‌که در اوایل دوره صفوی نام «راه جوزولی» وجود داشته، پس اگر بپذیریم که جوزولی استرآباد نام خود را از این قبیله گرفته است، بنابراین می‌توان گفت که آنان پیش از دوره صفوی به استرآباد مهاجرت کرده‌اند و شاید در جریان حملات مغول‌ها پراکنده یا منقرض شده باشند! علاوه براین، در تاریخ شفاهی سادات **میرکریمی و درازگیسوی** استرآباد روایت است که اجداد آنان از مراکش به هند و از هند به استرآباد کوچیده‌اند، که شاید این موضوع نیز با حضور بربرهای جُزولی و هم‌چنین جوکی‌های هندی در این منطقه، بی‌ارتباط نباشد! به‌علاوه، لوئی رابینو در سفرنامه خود، ذیل اسامی دهات بلوک فرخ‌عمادالدین استرآباد -منطبق با دهات نیم‌بوک ملک- از یک روستا به نام «بربر» یاد کرده است. هم‌چنین وجود **بربرخیل** یا **بربرمحلّه** در شهر آمل، که به «**درویش‌محلّه**» نیز شهرت داشته، دلیلی دیگر در ارتباط با حضور بربرها در شمال ایران و نیز گرایش‌های صوفیانه‌ی آنان خواهد بود.

تمامی آن‌چه که در مورد حضور قبیله‌ی جُزولی در ولایت استرآباد و ارتباط آنان با نام‌های و قبایل ساکن این منطقه گفته شد، فرضیه‌ای بیش نبوده، هیچ اساس و پایه‌ی علمی و پژوهشی ندارد. لکن تشابهات و اشتراکات یادشده، می‌تواند انگیزه‌ای باشد برای پاسخ به پرسش‌هایی چون: معنی دقیق نام‌های جغرافیایی جوزولی و سوس چیست؟ بربرهایی که در کوثربر شاه‌کو سکونت داشته‌اند چه کسانی بوده‌اند؟ کولی‌هایی که ساکن تنگه لولیان بوده‌اند کیستند؟ وجه‌تسمیه گورستان خاک عمر چیست؟ جوکی‌ها و جُزولی‌ها چه اشتراکات و تمایزاتی دارند؟



علاوه براین، شاید این موضوع انگیزه‌هایی برای پی‌گردی و بررسی‌های باستان‌شناسی مناطق جوزولی، خاک‌عمر، سوس، تنگه لولیان، غارهای کوثربر، معادن آهن شاه‌کوه و پیشینه‌ی باستانی استخراج آن‌ها و هم‌چنین مطالعات تطبیقی بر روی اقوام جوکی و بربرهای مراکش و ... ایجاد کند. همگی این پرسش‌ها می‌تواند بستری برای تولید محتوا و ارائه‌ی آن در قالب ژمان، پادکست، فیلم، سریال، انیمیشن و ... ایجاد نموده و بدین بهانه می‌توان بسیاری از قابلیت‌های سرزمین‌گرگان و دشت را معرفی نمود.

نمونه‌ای از درخت سروکوهی در رشته‌کوه‌های اطلس مراکش، که شباهت زیادی به درخت «اُرس» در منطقه شاه‌کوه دارد.